

رابطه حمایتی خانواده و سرمایه اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر کنترل اجتماعی از منظر قرآن

یوسف فتحی*

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۸)

چکیده

روابط خانوادگی به عنوان یک سرمایه اجتماعی، عامل مهمی در کنترل و سلامتی اجتماعی است. تحولات صنعتی و فردگرایی، بر این عنصر حیاتی تأثیر گذاشته‌اند و روابط درون و برون خانوادگی را تضعیف کرده‌اند و با افزایش گسسته‌ای اجتماعی و نسلی، هویت خانواده را تهدید و آن را در معرض آسیب قرار داده‌است. مقاله پیش رو، با پذیرش تحول در کارکردها و روابط خانوادگی در جهان کنونی، با استناد به نظر بسیاری از متفکران و آیات قرآن کریم، بر این باور است که اهمیت خانواده به عنوان یک نهاد اصلی حیات اجتماعی، از طریق روابط اجتماعی حمایتی و نقش اساسی آن در تولید نسل مشروع و اجتماعی شدن آن، هرگز از بین نمی‌رود. این مقاله، روابط حمایتی خانواده را در سه سطح معنوی، اجتماعی و اقتصادی بررسی کرده‌است. قرآن کریم در آیات متعدد به کارکردهای حمایتی خانواده که ارتباط مستقیم با اجتماعی شدن و کنترل اجتماعی دارد، اشاره می‌کند. از نظر قرآن کریم، همه اعضای خانواده در قبال تک تک اعضای خود، مسئولیت مدنی و اجتماعی دارند. هسته اصلی مباحث قرآن کریم، «روابط» در میان اعضای خانواده است که عنصر اساسی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، بیشترین نقش را با کمترین هزینه در کنترل اجتماعی دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، خانواده، سرمایه اجتماعی، روابط و کنترل اجتماعی.

* E-mail: fathi@znu.ac.ir

مقدمه

در حال حاضر، یکی از نگرانی‌های اساسی متفکران اجتماعی، بحران روابط خانواده در اثر تحولات صنعتی و تغییر سبک زندگی است. مدرنیته، تمام کارکردهای خانواده را زیر سؤال برده، عنصر فردگرایی را در جهان جدید گسترش داده است (ر.ک؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۲۱۳-۲۱۵) و تعادل میان زندگی شغلی و شخصی را برهم زده، در نتیجه، آرامش و سکون را از خانواده گرفته است. در گذشته، زنان و مردان برای ایجاد فضای دلنشین در محیط خانه وقت کافی داشتند، لیکن در دوره جدید اشتغال کامل زن و مرد فرصت استراحت و تسلط بر نگرانی‌ها را از آنها گرفته و ساعتی سرشار از عشق و آرامش در کنار همسر، تبدیل به آرزو گشته است (ر.ک؛ گری، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۰). لیکن تغییر برخی از کارویژه‌های یک پدیده اجتماعی نمی‌تواند دلیل بر تغییر اساسی آن پدیده باشد (ر.ک؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۲۱۶-۲۱۷). بر اساس پارادایم ساختاری - کارکردی، خانواده ستون فقرات جامعه است و هرگز از بین نمی‌رود. وظیفه اجتماعی کردن فرزندان، سامان بخشی فعالیت‌های جنسی، کسب هویت اجتماعی و از همه مهم‌تر، حمایت عاطفی و مادی (Physical protection & emotional support) از خانواده تفکیک‌ناپذیر هستند (Macionis, 2001: 339). خانواده، یک پناهگاه بزرگ برای افراد در جهان افسرده و عاری از محبت است. پارسونز علی‌رغم پذیرش تغییرات اساسی در نوع و کارکرد خانواده، وظیفه اجتماعی شدن نخستین را در خانواده تعریف می‌کند و هویت و شخصیت بزرگسالی را وابسته به خانواده می‌داند (Blundell, 2001: 139). کارکرد معنوی خانواده، به عنوان نخستین کانون رشد و آرامش انسان، نجات‌دهنده از رنج دنیا و آخرت (ر.ک؛ جوادی، ۱۳۹۱: ۲۳۳) و اساسی‌ترین وظیفه دنیوی خانواده در یک دوره طولانی مدّت، تداوم نسل و جامعه‌پذیر کردن فرزندان بوده است (ر.ک؛ باتومور، ۱۳۷۰: ۲۰۲). امروزه در کشورهای غربی استقبال از برنامه‌های خویشتندارانه و تغییر سبک زندگی و درخواست مسایل جنسی از نمایشنامه‌ها یک نوع بازگشت به خانواده را در ذهن زنده می‌کند (ر.ک؛ شیلت و دومس، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۲). این امر ناشی از آن است که خانواده به عنوان یک نهاد مدنی و اجتماعی، ترکیبی از موقعیت‌های مختلف

و کانون تعاملات عاطفی، اجتماعی و اقتصادی پیچیده و نظامی از انتظارات و مسئولیت‌هاست (ر.ک؛ دوچ، ۱۳۷۴: ۱۸۹). از آنجا که خانواده شرایط مشروعیت تولید مثل را تعریف می‌کند، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا الگوهای مراقبت و اجتماعی کردن را هم تعیین کند (ر.ک؛ لوپز، ۱۳۸۵: ۶۹). همه این اظهار نظرها، سه چیز را آشکار می‌کنند: نخست اینکه خانواده اهمیت انکارناشدنی در تولید نسل و اجتماعی شدن فرزندان دارد. دوم اینکه، خانواده در معرض آسیب‌های اساسی قرار گرفته‌است. سوم اینکه اضمحلال خانواده یک خسارت برای جامعه بشری است و نجات آن، یک ضرورت برای نجات جامعه است. تافلر بازگشت به کار در خانه و تبدیل خانه به یک کارگاه کوچک با حضور اعضای خانواده را راه حل احیای خانواده و دگرگونی خانواده از ساختار هسته‌ای دور از خانه همراه با روابط سرد عاطفی، به خانواده همراه با روابط گرم می‌داند. در این صورت، مجموعه‌ای از تجارب مشترک فراهم می‌شود و زن، شوهر و فرزندان مجدداً به گفتگو با یکدیگر می‌پردازند و این محیط سرد و یکنواخت زناشویی، تبدیل به کانون گرم و دلپذیر می‌شود. بالأخره کار مشترک می‌تواند عشق را از نو تعریف کند (ر.ک؛ تافلر، ۱۳۷۷: ۲۰۱-۲۰۲). از نگاه تافلر، این نوع خانواده امکان بازآفرینی رضایت عاطفی، عشق و احساس مسئولیت را دارد. در واقع، پیشنهاد تافلر یک نوع بازخوانی کارکردهای گذشته خانواده در عصر حاضر، مطابق با شرایط امروز است. راه حل دیگر، احیای خانواده و تبدیل شدن آن به کانون عاطفه و مودت و نیز اهمیت دادن به کار در منزل است. فهم اینکه زحمت و اهمیت کار زنان در خانه، از کار مردان در بیرون از خانه، نه کمتر، بلکه بیشتر است، خانه‌داری، فرزندآوری، نگهداری کودک و تربیت او از سنگین‌ترین و ظریف‌ترین وظایف است. بی‌توجهی به این مسئله، خانواده را دچار آفت و تزلزل می‌کند. احیای این کارکرد در جهان امروز، به قانون، بالا رفتن سطح اندیشه و خردمندی زنان و بالا رفتن سطح فکر جامعه بازمی‌گردد (ر.ک؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۸ و ۶۷) که می‌تواند بخش عمده‌ای از مسایل خانواده‌ها را حل نماید و تهدیدهای سراسر راه خانواده را بردارد.

فهم درست جایگاه تک‌تک اعضای خانواده و تعاملات آن‌ها باعث می‌شود تا انسان گرایش‌های دیگران را نسبت به فعالیت اجتماعی خود بفهمد. این فهم، رشد خویشتن را باعث می‌شود و فرد احساس تعلق به خانواده و احساس هویت می‌کند. برخورداری فرد از روابط حمایتی و تأییدی اعضای خانواده، فرد را در مرکز توجه دیگران قرار می‌دهد و از خود ذهنیت مثبت پیدا می‌کند. ذهنیت مثبت فرد از خود، عزت نفس او را تقویت می‌کند. مهم‌ترین نقش روابط حمایتی خانواده از نظر روانی، پرورش شخصیت فرزندان و از نظر اجتماعی، انطباق‌پذیری فرد در جامعه است. روانکاوان عقیده دارند که ریشه بسیاری از انحراف‌ها را در پرورش نخستین اعضای خانواده می‌توان جستجو کرد (ر.ک؛ محسنی، ۱۳۷۰: ۲۳۱). در مجموع، میزان سازگاری و کیفیت روابط حمایتی همسران و فرزندان در رشد شخصیت اعضای خانواده تأثیر دارد. عمق و شعاع روابط اجتماعی و حمایتی اعضای خانواده، سطح سرمایه اجتماعی را تعیین می‌کند. فرض مقاله پیش رو این است که سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی خانواده با کنترل اجتماعی ارتباط دارند و قرآن کریم روابط حمایتی خانواده را به عنوان یک مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی، در کنترل اجتماعی مهم تلقی می‌کند. روابط حمایتی خانواده (سرمایه اجتماعی)، رضایت، عزت نفس، خویشتن‌یابی و احساس تعلق اعضای خانواده را بهبود می‌بخشد و هزینه کنترل اجتماعی را کم می‌کند. فرهنگ قرآنی نشان می‌دهد که بسیاری از کارکردهای خانواده (مانند کارکرد عاطفی)، قابلیت انتقال به هیچ نهادی را ندارد و احیای این کارکردها در جهان امروز، به قانون متری، ارتقای سطح اندیشه و خردمندی زنان و سطح فکری جامعه بازمی‌گردد. همه این آورده‌ها از روابط خانوادگی، سرمایه اجتماعی است.

۱- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، دارایی ناشی از رابطه حمایت اجتماعی یا مقیاس توسعه‌یافته از حمایت اجتماعی در خانواده و در حد وسیعی از نتیجه روابط اجتماعی است (Harpham, 2003). روابط اجتماعی برای تک‌تک اعضای یک گروه، «سرمایه» و یک برگ اعتباری اجتماعی است. هرچه این روابط گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، برگ‌های اعتباری نیز بیشتر و

معتبرتر خواهند بود. جان فیلد (Joun Field: 2003) سرمایه اجتماعی را روابط اجتماعی (Relationships matter) و بوردیو (Bourdieu: ۱۹۹۷ م.) عضویت در گروه (Membership in a Group)، کلمن (Coleman: 1987) روابط میان افراد (Relations between persons) تعریف می‌کنند. پاتنام (۲۰۰۰ م.) سرمایه اجتماعی را به درون گروهی یا پیوندی، برون گروهی یا پُل‌زننده و ارتباطی تقسیم می‌کند. هر سه نوع سرمایه اجتماعی پاتنام (پیوندی، پُل‌زننده و ارتباطی)، روابط اجتماعی جان فیلد، عضویت در گروه بوردیو و روابط میان‌فردی کلمن در خانواده تصورشدنی هستند. سرمایه اجتماعی پیوندی درون یک خانواده، ارزش و دارایی ناشی از شبکه روابط میان اعضای خانواده، سرمایه اجتماعی پُل‌زننده، ارزش ناشی روابط میان خانواده‌ها در شبکه نظام خویشاوندی و سرمایه اجتماعی ارتباطی، ارزشی است که از روابط میان خانواده‌های متفاوت به دست می‌آید.

دو مکتب فکری اساسی درباره سرمایه اجتماعی وجود دارد: نخست دیدگاه جامعه‌شناختی، این دیدگاه سرمایه اجتماعی را منبع منافع افراد از طریق مشارکت در گروه می‌داند (Potes, 1998). نظریه جان فیلد، بردیو و کلمن در این حوزه قرار دارند. دوم سرمایه اجتماعی به عنوان ویژگی جوامع نظیر نواحی (Towns)، شهرها (Cities)، ایالات (States) و ملل (Nations) در نظر گرفته می‌شود که سطحی از مدنیت در یک جامعه را نشان می‌دهد و بیشتر از سوی اندیشمندان سیاسی مطرح شده است (Putnam, 2000: 1995). این نوع سرمایه اجتماعی با عضویت در انجمن‌ها و مؤسسات قابل اندازه‌گیری و ارزیابی است. روابط اعضای خانواده را با هر دو دیدگاه می‌توان مطالعه کرد. کلمن به سرمایه اجتماعی خانواده از دو منظر منبع و کارکرد نگاه می‌کند: نخست، خانواده اولین کانون تولید و توسعه سرمایه اجتماعی از طریق توسعه روابط اجتماعی و اساسی‌ترین محیط انتقال سرمایه‌های مادی، انسانی و فرهنگی به فرزندان است. این بخش از کارکرد خانواده را می‌توان با عنوان «حمایت اجتماعی خانواده (Family social support)» نامید. ثنوری کلمن به ساختار خانواده (حضور والدین)، کیفیت روابط میان فرزندان و والدین، منافع والدین در فرزندان، آگاهی از فعالیت‌های فرزندان، تعامل و

حمایت وسیع خانواده وابسته است (Ferguson, 2006). دوم مطابق نظر کلمن سرمایه اجتماعی خانواده، رفتار فرزندان را کنترل می‌کند. بچه‌ها علاقه‌مندند، کسانی که آن‌ها را تأیید می‌کنند، خود را با آن‌ها انطباق دهند. همه اعضای یک شبکه اجتماعی یا انجمن از قوانین و هنجارهای آن تبعیت می‌کنند، چون احساس تعلق و وابستگی می‌کنند. در یک مدرسه، اگر همه والدین همدیگر را بشناسند و به طور منظم همدیگر را ببینند، رفتارهای نابهنجاری مانند وقت‌گذرانی و پرسه‌زنی فرزندان، به راحتی قابل کشف و کنترل است (Carbonaro, 1998). با تعمیق روابط حمایتی خانواده، اعضا احساس تعلق به آن می‌کنند. در کنار سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ناشی از روابط میان اعضای خانواده، سطح دیگری از سرمایه اجتماعی از روابط میان جوانان و نوجوانان خانواده‌های مرتبط با شکل‌گیری شبکه دوستان شکل می‌گیرد که می‌تواند منشاء فعالیت‌های اجتماعی زیادی باشد که به صورت رسمی و غیر رسمی متعهد به انجام آن‌ها هستند. در واقع، قانون سرمایه، سرمایه تولید می‌کند، درباره سرمایه اجتماعی هم صادق است. سرمایه اجتماعی در خانواده، حاصل رابطه حمایتی است.

۲- رابطه حمایتی

رابطه حمایتی نوع خاصی از روابط اجتماعی است که روی شناخت، عواطف، رفتارها و بیولوژی انسان اثر می‌کند و «اگر کسی در داخل خانه تحسین شود، دیگر با تمجیدهای دروغین اغفال نمی‌شود» (شیلت و دموس، ۱۳۸۸: ۶۴). این نوع افراد، سبک زندگی، گرایش و نگرش متفاوتی نسبت به افرادی که در یک خانواده فروپاشیده یا متزلزل زندگی می‌کنند، خواهند داشت. رابطه حمایتی خانواده در این مقاله به عنوان سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر کنترل اجتماعی ذیل سه عنوان رابطه حمایت فکری - معنوی، عاطفی - روانی و اقتصادی بررسی شده است. ارتباط زمانی صورت می‌گیرد که انگیزه و محرکی وجود داشته باشد. احساس نیاز مادی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی باعث برقراری ارتباط است. ارتباط حمایتی اعضای خانواده از همدیگر باعث نشاط و

شادابی، مثبت‌نگری به افراد پیرامونی و زندگی، امیدواری و خوش‌بینی می‌شود و زمینه‌های بروز فساد و رذایل اخلاق را از بین می‌برد.

۱-۲) حمایت فکری - معنوی

حمایت معنوی، شامل آگاهاندن، خیرخواهی، آرزوی سرفرازی، زمینه‌سازی رشد معنوی، فکری، دعا در حق اعضای خانواده، توصیه به انجام امور نیک و اجتناب از امور زشت می‌گردد. اکثر انبیا درباره خانواده و نسل آینده خود دعا و توصیه کرده‌اند (ر.ک؛ احقاف / ۱۵). محتوای دعاها و توصیه‌های انبیا در قرآن شامل امور دنیوی و اخروی یا مادی و معنوی است و جانمایه همه آنها، ذکر و بندگی خداست. ذکر و بندگی خدا از نظر روانی، آرامش و از نظر اجتماعی، سلامتی جامعه را به ارمغان می‌آورد. مهم‌ترین خواسته‌های انبیا از خداوند درباره خود و خانواده‌شان عبارتند از:

۱-۲) الحاق به نیکان، از جمله دعاها برای خود و خانواده خویش، قرار گرفتن در جمع موحدان، متدینان، مؤمنان و انجام‌دهندگان امور دینی، خصوصاً اقامه‌کنندگان نماز، مشمولان غفران الهی و دوری‌کنندگان از بندگی غیر خدا، شرک و بت‌پرستی است (ر.ک؛ ابراهیم / ۳۵، ۴۰ و ۴۱). این خواسته حکایت از مثبت‌اندیشی، خیرخواهی و حمایت فکری و معنوی است.

۲-۱-۲) اقامه نماز، نماز یک امر معنوی است و آثار و برکات فردی و اجتماعی زیادی دارد. مؤثرترین عمل عبادی و معنوی در کنترل اجتماعی و پاکسازی جامعه از انواع زشتی‌ها و پلیدی‌ها است (ر.ک؛ عنکبوت / ۴۵). نماز انسان را از زشتی و منکر بازمی‌دارد و به خوبی‌ها هدایت می‌کند. تحریک اعضای خانواده برای اقامه نماز و ایجاد زمینه اقامه این فریضه الهی و در خواست از خداوند برای کمک به اقامه آن از حمایت‌های معنوی است. در آیات زیادی، خداوند به پیامبران امر می‌کند که اهل خود را به نماز امر کنند: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ﴾ (طه / ۱۳۲). اهل انبیا ممکن است امت یا خانواده آن‌ها باشد. مقاومت و استمرار بر اقامه نماز (ر.ک؛ لقمان / ۱۷) از جمله دعاهاست، شروع یک کاری

چیزی است و تداوم آن چیز دیگری است، معمولاً آثار و نتایج اجتماعی یک اقدام در درازمدت ظاهر می‌شود.

۳-۱-۲) امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد احساس مسئولیت اجتماعی، از دعاهای انبیا برای خانواده خود است. امر به معروف و نهی از منکر (ر.ک؛ لقمان / ۱۷۹) مهم‌ترین عامل کنترل اجتماعی و بازدارنده از انواع بزهکاری‌ها، جرایم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی است (ر.ک؛ هود / ۴۲). احساس مسئولیت اعضای خانواده در قبال یکدیگر، ایجاد همگرایی و همبستگی می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر، هم وجه ذهنی و فکری و هم وجه عینی و اجتماعی دارد. ایجاد آمادگی فکری و ذهنی، مهم‌ترین عامل و زمینه تحقق وجه عینی و اجتماعی آن است.

۴-۱-۲) آداب معاشرت اجتماعی با مردم، انسان ناچار از زندگی اجتماعی و معاشرت با دیگران است. نحوه معاشرت با مردم یک امر اکتسابی است نه انتسابی، و یکی از عوامل اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری انسان، خانواده و بزرگترین معلمان آن والدین هستند (ر.ک؛ لقمان / ۱۸-۱۹ و یوسف / ۶۷). آیات قرآن نشان می‌دهند که انبیا به تقویت هوش ارتباطی و هیجانی اعضای خانواده خود بیشترین توجه را دارند. علاوه بر اینکه سیره و صورت انبیا در تربیت اعضای خانواده خود مؤثر و الگو بود، توصیه‌های زیادی در این زمینه دارند.

۵-۱-۲) احسان به والدین، والدین دو سرمایه مهم دارند. این دو سرمایه، تجربه و محبت آن‌ها به فرزندان و اعضای خانواده است، هر دو سرمایه انتقال هستند. از سوی دیگر، آموزش راه صحیح زندگی و اتخاذ یک زندگی میانه روانه و پرهیز از افراط و تفریط در حوزه‌های مختلف زندگی از عوامل نجات انسان از انواع شقاوت‌ها و آسیب‌های اجتماعی است. یکی از گرفتاری‌های امروز جامعه ما، افراط و تفریط است. حضرت یعقوب^(ع) به فرزندان خود سفارش می‌کند که از یک دروازه وارد مصر نشوند یا به یوسف یادآوری می‌کند که اسرار خود را حتی به نزدیکترین افراد پیرامون خود ابراز ندارد. حضرت یعقوب بر اساس تجربه، احتمال وقوع ناگواری‌ها را می‌دهد. والدین

فرزندان خود را از ساده‌نگری و ساده‌انگاری دور می‌کنند و فریب دیگران را برای آنها آشکار سازند (ر.ک؛ یوسف / ۵). حضرت لقمان فرزند خود را از انواع افراط‌ها پرهیز می‌دهد (ر.ک؛ سوره لقمان) و وی را به میانه‌روی در زندگی و تعامل با مردم توصیه می‌کند. خواجه نصیر یکی از حقوق‌الدین را خیرخواهی می‌داند. خیرخواهی والدین در خلوت و آشکار نسبت به منافع دنیا و آخرت و محافظت از وصایا و اعمال نیک آنها چه در حال حیات و چه بعد از وفات (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۰: ۲۳۹)، یک نوع حمایت معنوی است. وصیت بزرگان خانواده به کوچکترها و انتقال تجارب گذشته خود به فرزندان متقابلاً فراگیری این تجارب و نصب‌العین قرار دادن آن، جزء حمایت معنوی متقابل است. در مقابل، بی‌توجهی قولی و فعلی به والدین به گونه‌ای که باعث تحقیر آنها گردد (ر.ک؛ همان: ۲۴۰)، یا والدین دانسته‌ها و تجارب خود را به فرزندان انتقال ندهند با حمایت معنوی و فکری منافات دارد.

۲-۱-۶) آینده‌نگری، عاقبت‌اندیش بار آوردن فرزندان از حمایت‌های فکری والدین از فرزندان است (ر.ک؛ لقمان / ۱۶). حضرت یعقوب^(ع) یوسف را از افتادن در فریب و نیرنگ اطرافیان آگاه می‌کند (ر.ک؛ یوسف / ۵). نجات اعضای خانواده در حال و آینده و در دنیا و آخرت برای والدین مهم است. آگاهانندن اعضای خانواده نسبت به عقاید، آداب دینی و تحریمات آنها به عمل و فراهم کردن زمینه عمل به آنها، باعث نجات از گرفتاری‌های دنیوی و اخروی و نیز حمایت معنوی از خانواده است. آیه **﴿وَقُوِّدْهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةَ﴾** (التحریم / ۶)، به هیزم آتشین از انسان‌ها و سنگ‌ها ترجمه شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۳۳۴). بر اساس این آیه، دو نوع عامل برای گرفتاری دنیوی و اخروی انسان وجود دارد: یکی دنیاگرایی و غرق شدن در مادیات که حجاره و سنگ نماد آن می‌تواند باشد و دیگری، انسان‌های پیرامونی در خانواده، دوستان و سایر کسانی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در سرنوشت انسان تأثیر دارند. رهایی اعضای خانواده از دنیاگرایی و از همراه شدن با انسان‌های کج‌رو، از وظایف فکری و معنوی والدین است. الزحیلی در بیان آیه به «آگاهانندن، امر به اطاعت اوامر الهی و نهی از معاصی، نصیحت و تأدیب و یاری اعضای خانواده» تأکید می‌کند^۱. عبارت «قوا» از ماده «وقایه» به

معنی خویشتنداری، نگه داشتن و حفاظت خود و دیگری از گرفتار شدن است. حفاظت به دو شیوه ایجابی (تعلیم فرایض دینی، عمل به دستورهای الهی و انجام اعمال نیک)، و شیوه سلبی (منع از زشتی‌ها و رذایل اخلاق، ترک معاصی و پرهیز از امیال نفسانی) انجام پذیر است (ر.ک؛ دخیل، ۱۴۲۲ق: ۷۵۷). در ذیل آیه، قصه‌ای مطرح شده است که وقتی آیه ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ﴾ نازل شد، یکی از مسلمانان گریه کرد از اینکه کسی که از تربیت و حمایت خود عاجز است، چگونه مأمور حمایت خانواده خود شده است. پیامبر^(ص) فرمود: در عمل به آیه، احساس مسئولیت در قبال اهل خود و توصیه به انجام وظایف نیز کفایت می‌کند. اگر اطاعت کنند، از عذاب نگه داشته‌ای و اگر عصیان کنند، مأموریت خود را انجام داده‌ای (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۳۲۳). این بیان نشان می‌دهد که تذکر، یادآوری و آگاهاندن در امر تربیت موضوعیت دارد و ارائه طریق به اندازه عمل اهمیت دارد.

۷-۱-۲) توصیه و تأکید بر دیندار و مسلمان زندگی کردن است که آثار اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی فراوانی دارد (ر.ک؛ البقره/ ۱۲۸ و ۱۳۲). قرآن در آیات مختلف به توصیه بر انجام امور دینی و اخلاقی تأکید می‌کند (لقمان/ ۱۷). مسلمان بودن با ایمان و عمل صالح مفهوم می‌یابد. در واقع، آیه به سلامت روان و سلامت زندگی تأکید دارد. سلامتی روان و زندگی افراد در سطح فردی و خانوادگی، بنیان سلامتی اجتماع است.

همه موارد هفتگانه، بخشی از حمایت‌های فکری و معنوی اعضای خانواده از یکدیگر، به‌ویژه والدین از فرزندان است. تحقق این حمایت‌ها در یک خانواده، روابط تنگاتنگ اجتماعی و عاطفی را در خانواده شکل می‌دهد که همان سرمایه اجتماعی است و این خانواده یک خانواده طبیعی و سالم است. امکان وقوع این حمایت‌ها، نیازمند مهارت ارتباطی و هوش هیجانی است که در خانواده آموخته می‌شود. موارد فوق، اکتسابی و تربیتی هستند، نه انتسابی و ژنتیکی.

۲-۲) حمایت عاطفی - اجتماعی

از نظر جامعه‌شناسان، با توجه به از دست رفتن بسیاری از کارکردهای خانواده در جوامع صنعتی، پاسخ به نیازهای عاطفی مهم‌ترین کارکرد آن باقی مانده است (ر.ک؛ بستان، ۱۳۹۲: ۱۱۶). روابط عاطفی در فضاهای دیگر هم ممکن است، لیکن فضای صمیمی پایدار و سازنده در خانواده از همه بیشتر و سازنده‌تر است و قرآن تأکید فراوانی بر آن دارد. توصیه‌های قرآن کریم در دو قالب کلامی و غیرکلامی طرح‌شدنی است (ر.ک؛ الإسراء / ۲۳ و النساء / ۸). قرآن هم توصیه به تلاش برای تأدیب، تکریم و رعایت عدالت بین فرزندان در نیکی و لطف نسبت به هم (ر.ک؛ سالاری فر، ۱۳۹۱: ۸۳) و نیز به گفتار نیک با والدین و فرزندان تأکید می‌کند. رابطه عاطفی و اجتماعی در خانواده از عاطفه، عشق، محبت، ایمان، احساس امنیت، اطمینان، اعتماد، احساس تعلق و همبستگی درونی آن سرچشمه می‌گیرد. از مصادیق حمایت عاطفی و اجتماعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۲-۲-۱) محبت

تکریم فرزندان نسبت به والدین و جلب رضایت آنها در گفتار و کردار (ر.ک؛ نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰: ۳۲۸) و اهانت نکردن و بی‌شفقتی به ایشان در نهان یا آشکار، در حال حیات یا بعد از آن و سبک نشمردن نصایح و وصایای ایشان (ر.ک؛ همان: ۲۴۰) و از سوی دیگر، محبت والدین به فرزندان از عاطفی‌ترین رابطه بین آنها به شمار می‌رود و امنیت روانی و فکری آنها را تأمین می‌کند. در یاد والدین بودن به قدری طبیعی و ضروری به نظر می‌رسد که قرآن کریم چگونه یاد خدا بودن را به یاد والدین بودن تشبیه می‌کند (ر.ک؛ البقره / ۲۰۰). این فضا بیانگر یک خانواده سالم است. فقدان فضای عاطفی و فقدان امنیت روانی، فکری و اجتماعی، نشانه خانواده ناسالم است. وجود مهر و محبت در خانواده، چه توقیر بزرگترها و چه ترحیم کوچکترها، فضای خانه را آرام و دل‌انگیز می‌کند. محرومیت از بهداشت روانی و محبت، مهم‌ترین عامل اختلال در حواس، حافظه

و رشد استعدادهای کودکان است. از دست دادن آرامش روان، بخشی از فعالیت‌های مغز کودک را که تنظیم‌کننده رشد ذهنی اوست، مختل می‌کند و آینده وی را دچار مخاطره می‌سازد. کودک بهره‌مند از مهر و محبت پدر و مادر، نگرش مطلوبی به خود و روابط با دیگران پیدا می‌کند. سرمایه مهم خانواده، آرامش و سکون است. وجود آرامش در خانه نشانه خوشبختی و سعادت است. این سکون و آرامش از محبت، رحمت و احترام نشأت می‌گیرد (ر.ک؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۲۸). قرآن می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (الروم/۲۱). رابطه صرف، سرمایه نیست، بلکه رابطه از روی محبت، مهربانی، رحمت و حرمت‌گذاری سرمایه اجتماعی و معنوی است.

۲-۲-۲) دعوت به حق

دعوت به حق، نشان دادن راه و دستگیری از اعضای خانواده (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (الشعراء/۲۱۴)) و تصحیح گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای اطرافیان در استحکام خانواده تأثیرگذار و مانع آسیب‌های اجتماعی است. انذار از آثار سوء عقاید و ارزش‌های باطل، ناشی از عواطف و محبت فرد از یک سو و احساس مسئولیت دینی و اجتماعی از سوی دیگر است. میدان تبشیر و انذار، حوزه فرهنگ‌پذیری یا فرایند القای ارزش‌ها، باورها، سنت‌ها و معیارهای رفتاری است (ر.ک؛ از کمپ، ۱۳۶۹: ۴۴۹). استعدادهای ژنتیکی در تعیین رنگ چشم و هوش فرد مؤثر است، اما یک کودک، انضباط، عزت نفس، اخلاق‌مداری و کارآمدی را تا حد زیادی در خانواده یاد می‌گیرد (ر.ک؛ هیولیت و وست، ۱۳۸۸: ۵۹). حق‌جویی و حق‌پذیری، دو عنصر اساسی سلامت اجتماعی است. خانواده محل شکل‌گیری روح حق‌جویی و حق‌پذیری، عدالت‌جویی و ظلم‌گریزی است. البته تأکید مقاله به نقش خانواده در این امور، نافی نقش جامعه و نهادهای تربیتی نیست. خانواده از نظر جامعه‌شناسان، نخستین عامل نهاد اجتماعی و نخستین نهاد تربیتی است.

۲-۲-۳) الگوپذیری

قرآن اصل الگوپذیری فرزندان را از والدین به عنوان یک سنت می‌پذیرد و بر دو نوع الگوپذیری تأکید می‌ورزد. از الگوپذیری منفی، نهی و منع (ر.ک؛ البقره/۱۷۰) و بر الگوپذیری مثبت تأکید می‌کند (ر.ک؛ البقره/۱۳۳). تحقیقات نشان می‌دهد که فرزندان چه قبل از دورهٔ ممیزی (۶ سالگی) و چه بعد از آن، از رفتار والدین تقلید می‌کنند (ر.ک؛ قائمی، ۱۳۷۲: ۱۵۹). بسیاری از روانشناسان رفتار پسران را انعکاسی از رفتار پدران و رفتار دختران را انعکاسی از رفتار مادران می‌دانند (ر.ک؛ همان: ۱۶۳). حمایت اجتماعی و عاطفی والدین باعث پررنگ شدن نقش، الگو و گروه مرجع شدن والدین می‌شود. کاهش رابطهٔ عاطفی - اجتماعی در خانواده، از دلایل اصلی انواع آسیب‌های اجتماعی مانند مواد مخدر، درگیری‌ها، کم شدن آستانهٔ تحمل، احساس شکست و پدیدهٔ طلاق است. حجت‌ها در خانواده و الگوپذیری مانع اصلی از هم‌پاشیدگی خانواده است. در صورت ناتوانی اعضای خانواده از حل مسایل و ترس از شدت اختلاف، انتخاب داور و افراد پذیرفته شده از هر دو طرف برای رسیدگی به اختلافات، ایجاد صلح و آرامش ضرورت می‌یابد (ر.ک؛ النساء/۳۵). حکمیت و حجت حرف یک نفر در خانواده و به کارگیری تمام مهارت‌ها به صورت گام‌به‌گام برای جلوگیری از تشدید اختلافات (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۸۲)، یک اصل مهم در الگو بودن است. خانواده‌ای که بتواند نقش حمایتی خود را خوب ایفا کند، می‌تواند الگوی مناسبی برای اعضای خود باشد. به تعبیر موه‌رینگر، مردانگی تقلیدی است. یک پسر و دختر به الگوهای نقش مردانگی و زنانگی سالم نیاز دارند. چنانچه الگوهای نقش سالم تأمین نشوند، ممکن است الگوهای نقش ناسالم در جامعه را انتخاب کنند (ر.ک؛ ساکس، ۱۳۸۸: ۲۵۶). حمایت به عنوان عنصر تربیت، قابل انتقال و تداوم است. الگوهای رفتاری حمایتی در خانواده با مشاهده قابل تقلید است (ر.ک؛ کلی، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۳). خانوادهٔ متعالی قدرت اقناع‌کنندگی بسیار بالایی دارد. به سه طریق می‌توان در خانواده برای اعضای خانواده الگوسازی کرد: توصیه، توصیف و عملکرد. آنچه مسلم است اینکه مشاهدهٔ عملکرد، تأثیرگذارترین روش است.

۲-۲-۴) تقسیم عادلانه کار

تقسیم عادلانه کار و نگاه مثبت به کار در خانه، رضایت روانی و اجتماعی ایجاد می‌کند. مارلین فرنج عقیده دارد که نفس کار خانگی ناخوشایند نیست و دشواری آن به ناعادلانه بودن تقسیم کار در خانه و بی‌مزد بودن مربوط است که به نارضایتی زنان در خانه دامن می‌زند. زن‌ها از اینکه به طور منحصر به فرد مسئولیت کارهای خانه را به عهده دارند، شکایت دارند؛ زیرا با تقسیم ناعادلانه کار در منزل مواجه هستند (ر.ک؛ فرنج، ۱۳۷۳: ۳۰۵-۳۰۶)، در حالی که چرخه حمایت شدن و حمایت کردن به زنان کمک می‌کند تا بتوانند به شیوه مؤثری بر تنش‌ها و نگرانی‌ها تسلط یابند (ر.ک؛ گری، ۱۳۹۱: ۲۶) و محیط خانه را در آرامش نگه دارند. پیامبر (ص) به امام علی (ع) توصیه می‌کنند: «ای علی! یک ساعت خدمت در خانه، بهتر است از عبادت هزار سال، هزار حج، عمره و... سیر کردن هزار گرسنه و... بخشش هزار دینار... ای علی! خدمت نمی‌کند به خانواده، مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند بخواهد خیر دنیا و آخرت را به او بدهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۱۰۶). این نگرش، مشوق کار در منزل و اهمیت آن است. فمینیست‌ها خشونت خانگی را بخشی از تجربه تلخ بسیاری از زنان، و دلیل اصلی آن را وجود ساختارهای اقتداری پدرسالارانه و تبعیض آمیز در جامعه می‌دانند. بنابراین، نهاد خانواده در حکم نهاد مرکزی پدرسالاری است که بر اساس نابرابری اجتماعی، استعمار زنان و کودکان بنا نهاده شده است (ر.ک؛ اعزازی، ۱۳۸۳: ۷۷) و به دلیل حذف رابطه عاطفی و اجتماعی، خانه از پناهگاه امن و خوشبختی به محل خشونت بدل می‌گردد. تجربه انسان می‌تواند نقش مثبت یا منفی در ذهن او ایجاد کند. این نقش در ذهن انسان به راحتی قابل تغییر نیست. ترسیمی که فمینیست‌ها و فرنج از فضای خانه ارائه می‌دهند، نشان می‌دهد که این خانه فاقد حمایت عاطفی و اجتماعی است و در نتیجه، در معرض خشونت، ناسازگاری و اختلاف می‌باشد.

۲-۲-۵) احترام

متون دینی احترام را سه سویه تصویر می‌کند؛ نخست «فرزند» همچون دسته گل تصویر شده است و به رفتار عادلانه در میان فرزندان در عطا و بخشش (ر.ک؛ ریشه‌ری، ۱۳۸۰: ۵۵۱) تأکید می‌شود که احترام والدین نسبت به فرزندان را تحریک می‌کند و رشد شخصیت فردی و اجتماعی او به آن وابسته است. قرآن تعبیر صریحی درباره احسان به فرزندان ندارد، ولی عبارت «ذی القربی» چندین بار تکرار شده که یکی از مصادیق آن، فرزندان است. ذی القربی مطلق بستگان و خویشاوندان است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۲۳۹). والدین به صورت فطری و عاطفی با دیدن روی اولاد، کاسه احسان آنان لبریز می‌گردد. شعاع احسان، عاطفه و رحمت والدین نسبت به فرزندان فوق‌العاده گسترده است.

دوم احترام و محبت فرزندان نسبت به والدین را با صلاهی ﴿وَبِأَوْلَادِهِنَّ إِحْسَانًا﴾ (الأنعام / ۵۱ و الإسراء / ۲۳) تحریک می‌کند و به حمایت همه‌جانبه فرزندان از والدین اصرار می‌ورزد. این عبارت پس از امر به بندگی خداوند، نشان‌دهنده اهمیت احترام والدین در نظام اجتماعی است. در بعضی آیات، خداوند متعال احسان به والدین را به عنوان یک میثاق و تعهد الهی ذکر می‌کند (ر.ک؛ البقره / ۸۳ و النساء / ۳۶). احسان با حالت مفرد و نکره (احساناً)، مطلق است و به هر نوع نیکی دلالت دارد. نیکی به هر کس، حمایت از او است. عبارت عمیق و پرمحتوای «احسان»، هسته روابط عاطفی و اجتماعی خانواده را تشکیل می‌دهد. این روابط عاطفی پیچیده از بحران‌های هویتی و بزه‌های اجتماعی جلوگیری می‌نماید. در صورت فقدان این رابطه عاطفی، معلوم نیست چه عقده‌های ناگشوده‌ای در جامعه شکل می‌گیرند. توجه به یتیمان و مساکین در آیات، در همین راستا قابل تحلیل است. یتیم، بی‌سرپرست و برکنار شده از کانون مهر خانواده است. سایه احسان، عواطف و نیک‌اندیشی جامعه، مهر و محبت را اندک‌اندک در قلب او بیدار و سرشار می‌نماید. اگر جامعه چنین کاری نکند، فرد بی‌سرپرست، بزهکار، بدبین و خصم مردم می‌گردد و همیشه با عقده، کینه، خصومت و دشمنی، حق ضایع شده واقعی یا خیالی

خود را مطالبه می‌کند. اکثر افراد این گروه، اگر قدرتی به دست آورند، جهانی را به خاک و خون می‌کشند. بیشتر خونخواران از میان رانده‌شدگان از محیط عواطف هستند (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۱۵).

سوم اینکه قرآن کریم بین همسران مودت و رحمت را ترسیم می‌کند و استعاره «لباس» را برای بیان رابطه معنوی، عاطفی و اجتماعی میان آن‌ها به کار می‌برد و با تعبیر زیبای «زنان لباس شما و شما لباس آن‌ها هستید» (البقره/ ۱۸۷) این مهم را بیان می‌کند. این تعبیر هر نوع علاقه و رابطه‌ای بین همسران را پوشش می‌دهد. زوجها در کنار هم آرامش می‌یابند و لباسی از جنس محبت، مودت و رحمت (ر.ک؛ الروم/ ۲۱) به یکدیگر هدیه می‌کنند. «لباس» استعاره‌ای از پاسخگویی همسران به تمام نیازهای فطری، غریزی، عاطفی و اجتماعی یکدیگر و ایمن‌سازی در برابر آسیب‌های اجتماعی است. استعاره «لباس»، تمام کارکردهای مادی و معنوی لباس را در روابط همسران، از قبیل گرما بخشیدن، پوشاندن عیوب و کاستی‌ها و جبران آن‌ها، آرام جان بودن، مصون داشتن از آفت‌ها و آلودگی‌ها و... را به تصویر می‌کشد (ر.ک؛ افروز، ۱۳۹۲). اولین کارکرد لباس، حمایت از صاحب خود است.

۳-۲) حمایت اقتصادی

از حمایت‌های مهم خانواده، رابطه اقتصادی است. رابطه اقتصادی در خانواده، به دو صورت - واجب‌النفقة و قرض‌الحسنه - قابل تحقق است. در خانواده، والدین به گونه‌ای و فرزندان و سایر خویشان به گونه‌ای دیگر نیاز به یاری اقتصادی دارند. والدین هر روز در معرض ناتوان شدن و پیری هستند و انسان ناتوان و پیر، علاوه بر نیازهای عاطفی و اجتماعی، نیازمندی‌های مالی و اقتصادی هم دارد. هزینه مادی یک پیر به لحاظ درمان و بهداشت، نگهداری و مراقبت، بیش از جوان است. از این روی، قرآن بر ﴿بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (الأنعام/ ۵۱ و الإسراء/ ۲۳) تأکید می‌کند. از امام صادق (ع) سؤال شد: منظور از این احسان چیست؟ فرمود: با آن‌ها با احترام سخن بگویند و حاجات آن‌ها را قبل از سؤال رفع کنید (ر.ک؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۶). خواجه نصیر از وظایف فرزندان نسبت

به والدین را مساعدت مالی بی‌شائبه، بی‌منت و بدون طلب عوض به قدر توان می‌داند (ر.ک؛ نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰: ۲۳۹). بخل ورزیدن در اموال و اسباب زندگی، طلب عوض کردن، منت گذاشتن و گران شمردن حمایت والدین (ر.ک؛ همان: ۲۴۰) باعث اذیت و ایدای آن‌ها می‌شود و از گناهان کبیره محسوب می‌گردد. حمایت اقتصادی والدین از فرزندان، یک امر رایج است و نیاز به تأکید ندارد. هرچند در حال حاضر، به دلیل مشکلات اقتصادی، بالا رفتن انتظارات و توقعات، تجمل‌گرایی و فرهنگ مصرفی، خانواده‌ها قادر به حمایت مالی مناسب از فرزندان و سایر اعضای خود نیستند، به‌ویژه خانواده‌های نوین‌پدید در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی مانند بزه، خشونت، پرخاشگری و میل به طلاق به دلیل مسایل اقتصادی هستند. حضرت ابراهیم^(ع) از خداوند می‌خواهد که خانواده او را از فقر نجات دهد و چنین دعا می‌فرماید: «خداوند! آنان را از میوه‌ها و محصولات عطا فرما»^۲ (ابراهیم / ۳۷). در واقع، رابطه اقتصادی و مساعدت مالی والدین به فرزندان، فرزندان به والدین، همسران از یکدیگر در تمام مراتب مساعدت - واجب‌النفسه، قرض‌الحسنه، انفاق و سایر احسان‌ها - معقول و توجیه‌شدنی است.

۳- نظارت و کنترل اجتماعی

بعضی از مفسران بر اساس آیه ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (التحریم/۶)، کنترل و نظارت اجتماعی را از وظایف اصلی خانواده می‌دانند. این آیه دلالت بر دعوت خود و اهل خود به خوبی‌ها و کنترل خود و خانواده از زشتی‌ها می‌کند (ر.ک؛ کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۸۱). نگهداری خود و خانواده از زشتی‌ها به ساخت محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی و معاصی بستگی دارد. حق زن و فرزند تنها تأمین هزینه زندگی، مسکن و تغذیه نیست و مهم‌تر از همه، تغذیه روح و جان است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۸۷). خانواده، محل کسب هویت اجتماعی سالم است و خوبی‌ها و زشتی‌ها، در خانه در وجود انسان ریشه می‌دوانند (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۷۹: ۲۷۵) و شخصیت او را می‌سازند. اهمیت خانواده در پاکدست بودن کارگزاران مورد توجه است (ر.ک؛ همان: ۳۰۷). بر اساس آیه شریفه، نه تنها فضای عاطفی خانه کنترل‌کننده است، بلکه

اعضای خانواده نیز نسبت به هم مسئولیت اجتماعی دارند و به هم ریختگی اجتماعی، نشانه به هم ریختگی خانواده‌هاست.

نظارت اجتماعی از عملکردهای مهم خانواده است که با نهادینه شدن روابط حمایتی، این امر به سهولت انجام می‌شود. علی‌رغم تحول کاکردی، خانواده، عامل نخست کنترل اجتماعی است. هیچ گروهی به اندازه خانواده، اعضای خود را تحت کنترل اصول مذهبی و اخلاقی قرار نمی‌دهد (ر.ک؛ باتامور، ۱۳۷۰: ۲۰۲). خانواده با رفع احساس تنهایی و نیز ایجاد امید و نشاط از وقوع مسایلی مانند افسردگی، نگرانی و اضطراب جلوگیری (ر.ک؛ بستان، ۱۳۹۲: ۱۳۶-۱۳۷) و فرد را از حوادث و آسیب‌های اجتماعی نگه می‌دارد. محققان از جمله عوامل مهم بزهکاری فرزندان را خانواده تک‌والدی، ناسازگاری والدین، نبود روابط گرم و صمیمی در خانواده و بدرفتاری والدین با فرزندان می‌شناسند. نهادینه شدن حمایت عاطفی، اخلاقی و اقتصادی اعضای خانواده از یکدیگر به عنوان یک جنبه اساسی اجتماعی شدن، می‌تواند خانواده و جامعه را در مقابل آسیب‌ها بیمه و تضمین نماید. هرچند نقش سنتی خانواده کاهش یافته، اما این امر بر الگوی اجتماعی شدن به شدت تأثیر می‌گذارد (ر.ک؛ گیدنز، ۱۳۷۴: ۸۵). خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی شدن، محل نهادینه‌سازی قواعد رفتارهای حمایتی است. با اینکه در جامعه امروز پدران نقش بسیار متفاوتی از پدران مقتدر نسل‌های گذشته دارند، اما اهمیت آنها و تأثیر آنها بر فرزندان بسیار زیاد است. این مسئله را با مقایسه خانواده با حضور پدر و مادر بدون آنها می‌توان ارزیابی کرد. مطالعات نشان می‌دهد که پسران فاقد پدر، پرخاشگرند و استعدادهای عددی آنان ضعیف‌تر از مهارت‌های کلامی آنان است. این اثر فقدان پدر تنها به شکل مستقیم نیست، بلکه فقدان پدر به صورت غیرمستقیم نیز در روابط مادر با فرزندان تأثیر می‌گذارد. مادران چنین خانواده‌هایی نسبت به فرزندانشان سختگیرتر و روابط آنها با فرزندان خشن‌تر است؛ زیرا برای اعمال کنترل ناچارند ژست و حالت پدرانه بگیرند (ر.ک؛ کریمی، ۱۳۸۳: ۴۵). در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو وجود دارند، مادر منبع اصلی مهر و عطوفت و پدر مظهر اقتدار، نظم و انضباط جلوه می‌کند.

نتیجه‌گیری

دو نوع نتیجه‌گیری به دلالت مطابقی و به دلالت التزامی از مباحث مقاله می‌توان گرفت. دلالت مطابقی مقاله این است که حمایت معنوی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی به صورت متقابل یکی از توصیه‌های اصلی قرآن و انبیاء در قرآن است و با میزان احساس تعلق به خانواده ارتباط مستقیم دارد. احساس تعلق، عامل مهم کنترل اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی و سلامت روانی و اجتماعی است. دلالت التزامی مقاله این است که با دقت در لحن آیات و روایات، کانون تحول سلامت فردی و اجتماعی به ترتیب از خود فرد، خانواده، خویشاوندان نزدیک تا دور، مؤمنان و در پایان، جامعه بشری، شروع می‌شود و گسترش می‌یابد. مهم‌ترین توصیه انبیاء به خاندان خود، اقامه نماز، امر به معروف، ایجاد حس مسئولیت، عاقبت‌اندیشی بار آوردن فرزندان، معاشرت اجتماعی صحیح و دیندار زندگی کردن آنان است که از مصادیق حمایت معنوی - فکری هستند. تحقق این حمایت‌ها در یک خانواده، روابط تنگاتنگ اجتماعی و عاطفی را در خانواده شکل می‌دهند که همان سرمایه اجتماعی است. این نوع خانواده یک خانواده طبیعی و سالم است. امکان وقوع این حمایت‌ها، نیازمند مهارت ارتباطی است. پیشنهاد اساسی مقاله این است که دولت به جای هدر دادن سرمایه در انواع ستادهای مبارزه با قاچاق، مواد مخدر، مفاسد اجتماعی، مفاسد اقتصادی و مفاسد اخلاقی و رسانه‌ای که به جز تولید دزدان دیگر، کارایی دیگری ندارند، این سرمایه‌ها را در حوزه خانواده برای ارتقای آگاهی و مهارت‌های ارتباطی آن‌ها سرمایه‌گذاری کند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- «عَلِّمُوا أَهْلِيكُمْ وَأَمْرُوهُمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَأَنْهَوْهُمْ عَنِ مَعَاصِيهِ، وَانصَحُوهُمْ وَأَدِّبُوهُمْ... وَتَسَاعِدْهُمْ عَلَيْهِ» (زحیلی، ۱۴۱۸ق.، ج ۲۸: ۳۱۶-۳۱۷).
- ۲- «وَأَرْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ».

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). *خانواده ایرانی*. ج ۱. تهران: نشر علم.
- ازکمپ، استوارت. (۱۳۶۹). *روانشناسی اجتماعی کاربردی*. ترجمه فرهاد ماهر. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی؛ زنان کتک خورده*. تهران: انتشارات سالی.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۹۲). *روانشناسی ازدواج و شکوه همسری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باتامور، تی. بی. (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی*. ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلجاهی. ج ۴. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- بستان (نجفی)، حسین. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. ج ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تافلر، الوین. (۱۳۷۷). *موج سوم*. ترجمه شهیندخت خوارزمی. ج ۱۲. تهران: نشر فاخته.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیاة*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (بی تا). *وسائل الشیعه*. ۲۰ ج. تهران: المکتبة الإسلامية.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۹۳). *خانواده به سبک ساخت یک جلسه مطول مطوی در محضر مقام معظم رهبری*. ج ۱۶. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی.
- دخیل، علی بن محمدعلی. (۱۴۲۲ق.). *الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز*. ج ۲. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- دوچ، مورتون و روبرت م. کراوس. (۱۳۷۴). *نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی*. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ری شهری، محمد. (۱۳۸۰). *منتخب میزان الحکمه*. تلخیص حمید حسینی. ج ۲. قم: دارالحديث.

- زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق.). *التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج*. ج ۲. بیروت - دمشق: دارالفکر المعاصر.
- ساکس، لئونارد. (۱۳۸۸). *وضعیت اسف بار پسران*. ترجمه و تلخیص نرگس سادات چاوشی. قم: دفتر نشر معارف.
- سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۹۱). *خانواده در تگرش اسلام و روان شناسی*. چ ۸. تهران: سمت.
- شیلت، وندی و نانسی لی دموس. (۱۳۸۸). *دختران به عفاف روی می آورند*. ترجمه و تلخیص سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری. قم: دفتر نشر معارف.
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. چ ۴. تهران: شرکت سهامی انتشار. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. گروه مترجمان. تهران: انتشارات فراهانی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۰). *اخلاق ناصری*. به تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- فرنج، مارلین. (۱۳۷۳). *جنگ علیه زنان*. ترجمه توراندخت تمدن. تهران: انتشارات علمی. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۸ق.). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمدحسین قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. قائمی، علی. (۱۳۷۲). *نقش پدر در تربیت*. تهران: انتشارات امیری.
- قرائتی، محسن. (۱۳۷۹). *امر به معروف و نهی از منکر*. چ ۱۰. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الفرائب*. تحقیق حسین درگاهی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کاظمی، جوادبن سعید. (۱۳۶۵). *مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام*. چ ۲. تهران: کتابفروشی مرتضوی.

- کریمی، یوسف. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی شخصیت*. ج ۹. تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
- کلی، جفری. (۱۳۸۸). *والدین و بدر رفتاری کودکان: راه حل‌های برای والدین*. ترجمه مینا ملکی معیری. تهران: نشر اختران.
- گری، جان. (۱۳۹۱). *زنان ونوسی در آتش خشم و مردان مریخی به سردی یخ*. ترجمه سیما فرجی. ج ۱. تهران: نسل نو اندیش.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. ج ۲. تهران: نشر نی.
- لوپز، خوزه و جان اسکات. (۱۳۸۵). *ساخت اجتماعی*. ترجمه حسین قاضیان. ج ۱. تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. دوره ۱۱۰ جلدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی عمومی*. تهران: کتابخانه طهوری.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- هیولیت، سیلویا آن و کورنل وست. (۱۳۸۸). *جنگ علیه والدین*. ترجمه و تلخیص معصومه محمدی. قم: نشر معارف.
- نرم‌افزار جامع التفاسیر ۲/۱. (۲۰۰۶م.). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی.
- Bourdieu, P. (1997). "The forms of capital". *Education: Culture, Economy, Society*. Halsey A., Lauder H., Brown P., Stuart Wells A (Eds). Oxford: Oxford University Press.
- Blundell, Jonathan. (2001). *Active Sociology for Gcse*. London: Longman.
- Carbonaro, W. (1998). "A little help from my friend's parents: Intergenerational closure and educational outcomes". *Sociol Educ*. No. 71. Pp. 295-313.
- Coleman, J. & T. Hoffer. (1987). *Public and private schools*. New York: Basic Books.
- Ferguson, K. (2006). "Social capital and children's wellbeing: a critical synthesis of the international social capital literature". *Int JSoc Welf*. No. 15. Pp.2-18.
- Field, J. (2003). *Social capital*. London: Routledge.
- Harpham, T. (2003). "Measuring the social capital of children". *Young Lives Working Paper*. No. 4. London: London Southbank University.
- Macionis, John J. (2001). *Society: the Basics*. New Jersey: Prentice Hall.

- Portes, A. (1998). "Social capital: Its origins and applications in modern sociology". *Annu Rev Sociol.* No. 24. Pp.1-24.
- Putnam, R. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital". *J Democr.* No. 61. Pp.65-78.
- (2000). *Bowling alone: the collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.

